

درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مقصد اول - أوامر
 موضوع جزئی: مقام دوم: معنای اصطلاحی ماده امر - یک اشکال و بررسی پاسخ های آن
 تاریخ: ۲۵ بهمن ماه ۱۳۹۳
 مصادف با: ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۳۶
 سال: ششم
 جلسه: ۷۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مقام اول یعنی معنای لغوی و عرفی ماده امر به پایان رسید. نظریات مختلف درباره معنای لغوی و عرفی ماده امر را بیان کردیم و سرانجام حق در مسئله معلوم شد.

مقام دوم: معنای اصطلاحی ماده امر

مقام دوم درباره معنای اصطلاحی ماده امر است. مرحوم آخوند در کفایه می فرماید: ماده امر علاوه بر آنکه در لغت و عرف معنایی دارد (نظر ایشان این شد که ماده امر مشترک لفظی بین طلب و شیء است) در اصطلاح هم معنای خاصی دارد منظور از اصطلاح یعنی بین فقهاء و اصولیین معنای خاصی در مورد ماده امر وجود دارد و آن معنای خاص عبارت از قول مخصوص یعنی هیئت إفعال و ما یُشابهها است پس ماده امر در در اصطلاح همان قول مخصوص یعنی صیغه و هیئت إفعال و آنچه که شبیه آن است می باشد خلاصه آنکه معنای لغوی در نظر آخوند عبارت از طلب و شیء است و معنای اصطلاحی نیز عبارت از قول مخصوص است.

سپس ایشان ادعای اجماع می کند بر اینکه ماده امر در قول مخصوص حقیقت است و در سائر معانی مجاز است. ما در نظریات مربوط به معنای لغوی ماده امر عرض کردیم که یکی از نظریات، نظریه حقیقت و مجاز است شاید نظریه حقیقت و مجاز بیشتر درباره معنای اصطلاحی ماده امر باشد اگرچه در مورد معنای لغوی هم قابل ذکر است و چه بسا قائل داشته باشد ولی این نظریه در معنای اصطلاحی مطرح است و مرحوم آقای آخوند هم که ادعای اجماع کرده که امر حقیقت در قول مخصوص و مجاز در معانی دیگر است مربوط به معنای اصطلاحی است ما نیز قبلا از قول مفاتیح الاصول عرض کردیم آنچه که ایشان در مورد حقیقت و مجاز فرموده ناظر به معنای اصطلاحی است.

اشکالی در اینجا مطرح شده که اشکال نسبتا مهمی است و پاسخ هایی هم به این اشکال داده شده یعنی مرحوم آقای آخوند یک پاسخ به این اشکال داده، محقق اصفهانی نیز راه حل دیگری را ذکر کرده و مرحوم امام رحمته الله علیه و مرحوم آقای خوئی نیز هر کدام راه هایی را برای حل این مشکل ذکر کردند.

اشکال به معنای اصطلاحی

اشکال در رابطه با معنای اصطلاحی این است که معنای اصطلاحی یعنی هیئت إفعال و ما شابهها، معنای حدی و اشتقاقی نیستند چون هیئت إفعال از مقوله لفظ است یعنی وقتی می گوئیم القول مخصوص، قول مخصوص همان صیغه إفعال است، الأمر

عند الفقهاء و الاصوليين هو القول المخصوص أى هيئت إفعال أو صيغة إفعال؛ و این صیغه یا قول مخصوص معنای حدثی یا اشتقاقی ندارد یعنی از خود این صیغه چیزی مشتق نمی شود گفتیم ماده أمر در لغت به معنای طلب است که این معنا، معنای اشتقاقی است اما اگر گفتیم ماده أمر در اصطلاح فقهاء عبارت از صیغه إفعال یا صیغه إضرب است، این صیغه و هیئت از مقوله لفظ است می گوئیم هو القول المخصوص و اگر از مقوله لفظ شد، دیگر معنای اشتقاقی و حدثی ندارد در حالی که می بینیم در کلمات فقهاء و اصولیین، از ماده أمر اشتقاقات زیادی ناشی می شود مثلاً می گویند: أمر، یا أمر، مامور؛ حال یا باید بگوئیم: این اشتقاقات مربوط به معنای اصطلاحی نیست و مربوط ماده لغوی ماده أمر است یا باید بپذیریم ماده أمر در اصطلاح معنای اشتقاقی ندارد که در این صورت با این مشکل مواجه می شویم که چطور اصولیین و فقهاء مشتقاتی از ماده أمر ذکر می کنند؟! خلاصه اشکال این شد که ماده أمر در اصطلاح فقهاء و اصولیین به معنای هیئت إفعال یا قول مخصوص است و این هیئت إفعال یا قول مخصوص از مقوله لفظ است لذا معنای حدثی و اشتقاقی ندارد و این مشکله ای است که چطور می شود در اصطلاح و نزد فقهاء و اصولیین، معنایی برای ماده أمر گفته اند که این معنای غیر اشتقاقی است؟! ما می بینیم که از یک طرف خود اصولیین اشتقاقات ماده أمر را ذکر می کنند و از طرفی هم می گویند که معنای آن هیئت إفعال است که اشتقاقی نیست. بالاخره یا باید ملتزم شویم به اینکه این معنا در اصطلاح غیر اشتقاقی است که ظاهر کلمات اصولیین بیانگر این است که اینچنین نیست یا باید معنای دیگری برای آن ذکر کنیم که آن معنا، معنای اشتقاقی باشد.

پاسخ محقق خراسانی

خود مرحوم آقای آخوند این اشکال را به طریقی حل کرده یعنی کأن ایشان متوجه اشکال بوده لذا در صدد پاسخ به این اشکال بر آمده است.

ایشان می فرمایند: در واقع آنچه به عنوان معنای اصطلاحی ماده أمر مطرح شده خود هیئت إفعال و صیغه مخصوص نیست بلکه معنای اصطلاحی در واقع طلبی است که به سبب هیئت إفعال صورت می گیرد یعنی ایشان می خواهد معنای اصطلاحی را از مقوله لفظ خارج کند و بگوید معنای ماده أمر خود هیئت نیست که از مقوله لفظ است بلکه معنا عبارت از طلبی است که از صیغه إفعال و هیئت إفعال و قول مخصوص استفاده می شود.

اگر به نوعی طلب را در معنای اصطلاحی داخل کنیم، مشکل حل می شود چون طلب معنای اشتقاقی است و دیگر از مقوله لفظ نیست چون این طلب می تواند هم به صیغه مخصوص باشد و هم می تواند به غیر از آن باشد. این راه حل مرحوم آخوند برای حل این مشکل است.

ان قلت: اگر معنای اصطلاحی ماده أمر، طلبی است که به سبب هیئت إفعال بیان می شود، پس چرا در معنای اصطلاحی فقط گفته اند: هو القول المخصوص یا هیئت إفعال؟! باید می گفتند: الأمر اصطلاحاً هو الطلب المستفاد من هیئت إفعال؛ یعنی طلب را در معنای اصطلاحی ماده أمر ذکر می کردند.

قلت

مرحوم آخوند در پاسخ اینچنین فرموده: در اینجا در واقع از مجموع دال و مدلول، مدلول را حذف و دال را که همان قول مخصوص است در معنای اصطلاحی ماده امر اخذ نمودند یعنی کأن در واقع اینچنین بوده: الأمر فی الاصطلاح هو الطلب الذی مدلول هیئت إفعال؛ یعنی طلبی که مدلول هیئت إفعال است یعنی هیئت إفعال دال است و طلب مدلول است. ولی مدلول حذف شده و فقط دال ذکر شده است. این محصل راه حلی است که ایشان برای حل مشکل در معنای اصطلاحی بیان کردند است.

این مشکل توسط بزرگان به نحو دیگری پاسخ داده شده است.

پاسخ محقق اصفهانی

محقق اصفهانی از طریق دیگری در صدد حل مشکل بر آمده است. ایشان بر خلاف آقای آخوند مسئله طلب را در معنای اصطلاحی داخل نکرده چون بالاخره طلب یکی از معانی لغوی ماده امر بود و ما در هنگام تبیین معنای لغوی ماده امر گفتیم یک نظریه، نظریه اشتراک لفظی بین طلب و شیء است لذا طلب یک معنای اصلی اشتقاقی است که قائلین به اشتراک لفظی، همه آنرا قبول داشتند.

ایشان می فرماید: معنای اصطلاحی ماده امر همان هیئت إفعال است ولی باید بررسی کنم اشکالی که مستشکل در رابطه با هیئت إفعال مطرح کرده، آیا منظور او از این اشکال این است که این چون از مقوله لفظ است، معنای اشتقاقی ندارد یا منظورش غیر از این است؟ به عبارت دیگر می خواهد بگوید: هیئت إفعال معنایی دارد ولی آن معنا اشتقاقی نیست. پس محقق تصفهانی در بدو امر می فرماید: در این اشکال دو احتمال وجود دارد.

احتمال اول: وقتی گفته می شود هیئت إفعال به عنوان معنای اصطلاحی ماده امر قابل استعمال نیست به این جهت است که هیئت إفعال از مقوله لفظ است لذا قابل اشتقاق نیست.

احتمال دوم: هیئت إفعال صرف لفظ نیست بلکه معنایی دارد که آن معنا، معنای غیر اشتقاقی است. هر دو احتمال محل اشکال است.

بررسی احتمال اول

محقق اصفهانی می گوید: اگر منظور مستشکل این است که هیئت إفعال چون از مقوله لفظ است لذا اساساً اشتقاق در مورد آن ممکن نیست، این بیان قابل قبول نیست برای اینکه معنا ندارد ما هیئت إفعال را فقط به عنوان لفظ و بدون هیچ معنایی ببینیم و این احتمال غلطی است یعنی درست است عمده توجه در صیغه و هیئت إفعال به لفظ است ولی این لفظ بدون معنا نیست و دارای معنا است یعنی صیغه إفعال و قول مخصوص یا هیئت إفعال، اگرچه بیشتر تکیه در آن بر لفظ است اما اینگونه نیست که بگوئیم این لفظ هیچ معنایی ندارد! در همه مواردی که نظر اصلی به لفظ است و لفظ را حمل بر چیزی می کنیم، در عین حال به معنای آن هم ولو بالتبع توجه داریم.

به هر حال اصل این احتمال قابل قبول نیست برای اینکه هر چند از مقوله ولی لفظ باشد، ادعای اینکه این لفظ بدون هیچ معنایی است قابل قبول نیست زیرا اگر از مقوله لفظ است، لفظی است که بالاخره معنا دارد و ما این اشتقاق و قابلیت اشتقاق را به ملاحظه معنای آن می گوئیم نه به ملاحظه خود لفظ، و بالاخره همین مقدار که معنای آن اشتقاقی باشد برای ما کافیست. پس طبق احتمال اول مشکل اینگونه حل شد.

«الحمد لله رب العالمین»